

## سخن سردبیر

در پرتو فناوری‌های نوین پزشکی و چالش‌های فراروی آن همواره این سؤال مطرح است که چگونه باید الگوهای اخلاقی خود را انتخاب کنیم. گاهی این انتخاب چنان ساده به نظر می‌رسد که ما حتی این الگوها را نمی‌بینیم. مثلاً هیچگاه هوشیارانه تصمیم نمی‌گیریم که به تسلی خاطر دوست نزدیکی که فرزندش کشته شده پردازیم بلکه ناخودآگاه این کار را انجام می‌دهیم. گاهی الگوهای انتخابی باعث پریشانی ما می‌گردد، مثلاً عدم اطمینان از مبادرت به سقط جنین یا مخالفت با جنگی قریب‌الوقوع یا دانستن آنچه که باید انجام دهیم ولی نمی‌دانیم چگونه، یا زمانی که تمام انتخاب‌های پیش رو قابل اعتراض به نظر می‌رسند یعنی هیچ یک ایده‌آل نیستند و نمی‌خواهیم عواقب آنها را در زندگی خود بپذیریم. بهترین مثال در این زمینه «انتقامجویی» است که در داستان و فیلمی به همین نام توصیف شده است: یک افسر نازی، زنی لهستانی به نام سوفی را مجبور می‌کند تا یکی از فرزندانش را برای کشته شدن انتخاب کند. افسر به زن می‌گوید که در صورت انجام ندادن این کار هر دو آنها را می‌کشد. این زن بالاجبار انتخاب می‌کند و با عواقب این انتخاب زندگی می‌کند، حتی اگر «انتخاب نکردن» را انتخاب کند. بدون شک برخی از افراد در قبال مسائل اخلاقی بی‌توجه بوده و کورکورانه علایق خودشان را دنبال می‌کنند و هرگز به تأثیر اعمالشان بر روی دیگران توجه ندارند. ما باید خوشحال باشیم که چنین افرادی بر دنیا حاکم نیستند، وگرنه در مدت زمانی کوتاه اصلاً دنیایی باقی نمی‌ماند که بتوان بر آن حکومت کرد. خوشبختانه اکثر مردم از ابعاد اخلاقی زندگی خود مطلع هستند، ولی متأسفانه بسیاری از ما

ارزش و اهمیت این ابعاد را به طور کامل درک نمی‌کنیم، زیرا بینش و بصیرت اخلاقی ما محدود است. بسیاری از ما نقاط کور اخلاقی زیادی داریم. در اکثر مواقع که اطلاعات تاریخی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و جامعه‌شناسی که می‌تواند ما را از اعمال اخلاقی آگاه سازد، چشم پوشی می‌کنیم. برای انتخاب بهتر باید از گزینه‌ها و اطلاعات پیش‌زمینه‌ای مرتبط آگاه شویم و نتایج و عواقب اعمالمان را هم برای خودمان و هم برای دیگران ارزیابی کنیم. ما می‌توانیم یاد بگیریم که تصمیمات اخلاقی آگاهانه بگیریم و این مهم تنها با تلاش و تمرین محقق می‌گردد.

موارد ذکر شده در مورد اعمال کاملاً شخصی هم صدق می‌کند، هر چند ممکن است در درک اهمیت مزیت‌های فردی همچون خودکنترلی ناکام بمانیم. ممکن است بدانیم که ما باید منظم‌تر و آگاه‌تر باشیم، ولی شاید ندانیم که چگونه این ویژگی‌ها را در خود نهادینه کنیم و یا شاید برای انتخابی عاقلانه و شخصی فاقد اطلاعات تجربی مربوط به آن باشیم. البته با تلاش و تمرین می‌توان تصمیمات اخلاقی آگاهانه‌تر گرفت. گاهی اوقات ما دقیقاً آنچه را که به نفع خودمان است می‌دانیم اما از انجام آن امتناع می‌ورزیم.

چگونه بینش اخلاقی خود را گسترش دهیم؟ چگونه انتخاب‌های اخلاقی بهتری داشته باشیم؟ چگونه بیاموزیم آنچه را که باید یا موظف به انجام آن هستیم محقق نماییم؟ پاسخ فراگیر به این سؤالات از دامنه بحث ما خارج است. اما باید پذیرفت که تأثیر فلسفی این سؤالات می‌تواند کمکی به پاسخگویی آنها باشد. ما باید منتقدانه اعمال خود و دلیل انجام آنها را ارزیابی کنیم و با دقت بسیار به تفکر در مورد معماهای اخلاقی که با آنها مواجه می‌شویم بپردازیم. زمانی که برای گرفتن

تصمیمات سریع و آنی تحت فشار نیستیم باید بیشتر بیندیشیم تا زمانی که می‌خواهیم آن را انجام دهیم مجهزتر عمل کنیم.

به هنگام تفکر درباره مسایل اخلاق عملی به طرح تئوری‌های اخلاقی می‌پردازیم و درمی‌یابیم که تئوری‌های اخلاقی ارائه شده مانند رویه روشنفکرانه برخی فیلسوفان عجیب به نظر می‌رسد هر کس باید از تئوری‌ها و الگوهای اخلاقی روزمره آگاه بوده و بتواند آنها را انتخاب کند. تئوری‌های اخلاقی رسمی صرفاً تلاش‌هایی سازمان یافته‌تر و اصولی‌تر از دیگر تئورهای اخلاقی هستند و از آنجا که سیستماتیک می‌باشند آشنایی با آنها می‌تواند ما را در تعیین الگوی اخلاقی مناسب کمک کند تا دریابیم که چگونه هر انتخابی به مسائل اخلاقی عملی مربوط می‌شود و درباره نتایج منطقی موقعیت و جایگاهی که اتخاذ کرده‌ایم، اعمالی که بر عهده گرفته‌ایم و نظراتی که بر آنها صحنه گذاشته‌ایم بیشتر بیندیشیم. بعلاوه تئوری‌های دامنه‌ای سرشار از واژگان پایه و فراتئوریک را برای توصیف، درک و تشریح اعمال، انتخاب‌ها و خصوصیات آنها در اختیار ما می‌گذارد.

با این حال باید تفکر درباره اخلاق را شروع کنیم و بکوشیم تا برای سؤالات اخلاقی پاسخی مناسب پیدا کنیم. یعنی جایی که ما با مشکلی مواجه می‌شویم و نمی‌دانیم که چگونه عمل کنیم ممکن است به جهت‌های متعددی کشیده شویم. تلاش برای اتخاذ تصمیمات ویژه، ما را برای طرح تئوری‌های غنی، جدی و منسجم تحریک خواهد کرد. برای روشن شدن این که چگونه باید طرح تئوری‌های اخلاقی را آغاز نماییم به اختصار می‌توانیم درباره سه نوع الگوی اخلاقی بحث می‌کنیم هر چند که برخی از این الگوها صرفاً تعاملات شخصی است و برخی نقش اندیشمندان عرصه اخلاق را برجسته می‌نماید و سایر الگوها هم نشأت گرفته از جایگاه ما در سیستم سیاسی اجتماعی می‌باشد. بحث اولیه در این

خصوص به دلیل مرتبط نبودن با موارد طرح تئوری کاملاً ساده است و به ما کمک می‌کند که دریابیم چرا نمی‌توانیم بدون تفکر انتزاعی و تئوری پردازی آنها را حل کنیم سپس با استفاده از ابزارهای تئوریک موجود و جدید مجدداً آنها را بررسی می‌کنیم.

**سردبیر**